



هفته نامه وزهنگ، خبری
مدرسه دانستهجویی قرآن و عترت
دانشگاه تهران
شماره ۱۷۵
۴ ذی الحجه ۱۴۳۷
۱۶ شهریور ۱۳۹۵
سه شنبه
www.ekashet.ir | info@ekashet.ir
www.QuranEtratSchool.ir
سال ششم

قال امیرالمومنین علیه السلام

اَلْعِلْمُ وِرَاثَةٌ كَرِيمَةٌ، وَ الْاَدَبُ حُلٌّ حَسَنٌ، وَ الْفِكْرَةُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ، وَ الْاَعْتِدَارُ مُنْذِرٌ
نَاصِحٌ، وَ كَفَى بِكَ اَدَبًا تَرْكُكَ مَا كَرِهْتَهُ مِنْ غَيْرِكَ

فرمود: علم ارثیه ای با ارزش، و ادب زیوری نیکو، و اندیشه آئینه ای صاف، و
پوزش خواستن هشدار دهنده ای دلسوز خواهد بود. و برای با ادب بودنست همین
بس که آنچه برای خود دوست نداری، در حق دیگران روا نداشته باشی.

(بحار الأنوار: ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۲۰)



خط به

شناخت ابعاد ضعف ایمان در برنامه ریزی و آماده شدن جهت مانور عملیات عید غدیر

بیانات آقای اخوت درباره موضوع برنامه ریزی، پنجشنبه ۱۱ شهریور ماه (قسمت پنجم)

کوتاه مبدیان

یکی از نقاط ضعف برنامه ریزیها و علت اینکه برنامه ها به شکست برمیخورند، ضعف ایمان است. ضعف ایمان از ابعاد مختلفی در برنامه ها ایجاد اختلال می کند. بعد اول آن رفتاری است و آن بی اعتنائی به قولها، عهد و پیمان است. اگر کسی بدقول باشد، برنامه هایش شکست می خورد و این رفتار بر روی همه برنامه هایش تاثیر دارد. مثلا کسی که قرار است ساعت ۸ جایی باشد اما همیشه با تاخیر می رسد، این نشانه بدقولی است که در بقیه رفتارها نیز نمود دارد یا اغلب افراد در خانه هایشان، کتابی یا ظرفی که امانت دیگران است، جا مانده است. یعنی نسبت به امانت داری بی اعتنا شده اند. به همین دلیل در احادیث هم تاکید شده است در کارهای جدی و شراکتی افراد را اول کار از نظر پایبندی به قولها بسنجیم. اگر کسی از ناحیه قولها و امانت هایش منظم نشود، در هیچ یک از کارهای دیگرش منظم نمی شود. خیلی از کارهایی که آدم نمی تواند انجام دهد از اول قبول نکند و یا اینکه اگر جایی قول می دهیم سعی کنیم باز تعین کنیم که بدقول نشویم.

دومین نشانه رفتاری ضعف ایمان، بی نظمی و نداشتن انسجام در کار است. امیرالمومنین (علیه السلام) می فرمایند: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم». نظم به معنی داشتن انسجام در کار است. اگر انسجام وجود نداشت یعنی هم لازم برای انجام آن کار ایجاد نشده است. این دو نشانه بعد رفتاری را می توان کمی کرد و سنجید. بعد دوم ضعف ایمان، عدم شناخت در بکارگیری اذکار است. دانستن اذکار باعث می شود خیلی از کارها به سرعت انجام شود و یا اینکه اسباب انجام آن فراهم شود. انسان هر چقدر قوی تر می شود باید اذکارش متعدد شود و این کار عوامانه نیست. باید با حسن ظن و باوری قلبی این اذکار را بشناسیم و از آنها بهره مند شویم. مثلا وقتی فرموده اند قرائت روزانه یازده بار سوره توحید یا چهار بار آیت الکرسی و... مانع رسیدن هرگونه آسیب به فرد می شود، آن را هر روز صبح بخوانیم و یقین کنیم که دیگر هیچ آسیبی نمی رسد. پس اگر هم اتفاقی افتاد، آن آسیب نیست بلکه پیام دیگری دارد که باید سعی کرد فهمید، چرا که ما خود را به سپر قل هو الله ایمن کرده ایم. و البته توصیه می شود وارد اذکار و اعمال پیچیده و سخت هم نشویم.

بعد سوم که نشانه ضعف ایمان است، قرار نگرفتن در صف اولیای الهی و عدم بهره مندی از نظام عنایتی آنهاست، اگر بدانیم در صف و اردوگاه بقیه الله (علیهم السلام) هستیم، هر لحظه منتظر عنایات خاص و بهره مندی از

روزی های ویژه هستیم. بنابراین یکی از ضعف های برنامه ریزی آن است که باور نداشته باشیم تحت نظام ولایت امام زمان (علیه السلام) هستیم و با این نظام زندگی ما می چرخد. تصور اینکه ایشان ما را نمی بینند، کاری با ما ندارند یا ما در لیست او نیستیم، همه اینها باورهای غلطی هستند و در هیچ جای قرآن هم نیامده است. بلکه فرموده اند هرکه شهادتین بگوید، با پای اخلاص وارد شود، دنیا را کنار بگذارد و بر اساس خواهشهای نفسانی خود نیز عمل نکند، اسم او را هم در این اردوگاه می نویسند. اینکه خیلی خوب است چنین شرایط آسانی را در خود فراهم کنیم و بعد در صف امام قرار بگیریم. نباید اینها برای افراد عجیب باشد بلکه باید نقد رایج ما باشد. اینکه کسی بگوید ما در اردوگاه امام زمانیم ادعای گزافی نیست. بلکه هرکه در این اردوگاه و سپاه نباشد در نتیجه در سپاه مقابل امام است. پس هیچ بهانه ای برای نبودن در این اردوگاه وجود ندارد. کسی که خودش را به این نظام بسپارد و قبول داشته باشد که در سپاه امام زمان (علیه السلام) است، هیچوقت تنها نیست و در حفظ و امان این نظام قرار می گیرد (ر.ک. سوره مبارکه صف).

یکی از ضعف های برنامه ریزی آن است که باور نداشته باشیم تحت نظام ولایت امام زمان (علیه السلام) هستیم و با این نظام زندگی ما می چرخد. تصور اینکه ایشان ما را نمی بینند، کاری با ما ندارند یا ما در لیست او نیستیم، همه اینها باورهای غلطی هستند و در هیچ جای قرآن هم نیامده است. بلکه فرموده اند هرکه شهادتین بگوید، با پای اخلاص وارد شود، دنیا را کنار بگذارد و بر اساس خواهشهای نفسانی خود نیز عمل نکند، اسم او را هم در این اردوگاه می نویسند.

بعد چهارم در ضعف ایمان، برخورداری از اختلال است، مثل اضطراب، دوگانگی، نوسان و ثابت نبودن حال. اولین قراری که فردی که اختلال دارد، می تواند با خود بگذارد این است که بداند تا وقتی در این اردوگاه است، بیماریهای او نیز تیمار می شود و از امام زمان (علیه السلام) خود نیز بخواهد تا اختلالهای او برطرف شوند. حتی انقدر اعتماد و حسن ظن به امام داشته باشیم که اگر اختلالمان برطرف نشد، بدانیم همین حالتان برای جمع مفید است. ضمن اینکه خیلی از مسائل غیب و پشت پرده را نمی دانیم، مثلا خیلی از علم هایی که به ما نمی دهند به

دلیل این است که زمان استفاده آن علم هنوز نرسیده یا... و ربطی به خوبی و بدی افراد ندارد. از طرف دیگر، اگر فردی در جایی از عالم، علمی را دریافت کرد، آن علم مال خودش نیست. بلکه تمام مشاهین آن فرد در عالم، آن را می فهمند و دریافت می کنند. چون ملائکه انزال آن علم وقتی نازل می شوند به تمام افرادی که در آن مرتبه وافق هستند، علم را می رسانند. در نتیجه باید مباحثات جمعی قرآن را جدی بگیریم.

هر کس در زندگی دو-سه کار ریزه دارد که باعث می شود فرد نتواند وارد اردوگاه شود. مثلا ناگهان از کوره در می رود، بدقول است یا... باید سعی کنیم با مهلت گرفتن از الله (علیه السلام)، این رفتارها را اصلاح کنیم. اهل بیت (علیهم السلام) در عین اینکه دقیق هستند، کریم هم هستند. فرد باید بتواند با الله (علیه السلام) ارتباط بگیرد و کارهای خود را نزد ایشان توضیح دهد اما نباید خود را از حریم اهل بیت (علیهم السلام) خارج کند. بدترین کار این است که انسان از ولایت اهل بیت (علیهم السلام) دور شود، در این صورت اتفاقات بدی برایش می افتد.

یکی از اشکالاتی که در ساختار فکری ما وجود دارد، این است که خیلی از منافع و عواید بر ما سرریز می شود اما به دلیل نشناختن آنها، متوجه آنها نمی شویم. سوره مبارکه غاشیه در شناساندن منافع و عواید مفید است. خواندن مکرر این سوره موجب بینایی فرد می شود. اصطلاح «عامله ناصبه» در سوره، یعنی فردی که کار می کند و خسته هم می شود اما عوایدی به او نمی رسد. و بعد خداوند امر میکند که به شتر، زمین، آسمان و کوه و کیفیت آفرینش آنها نظر و دقت کنیم. اگر فردی مفهوم صبح و شب شدن و دیگر نعمتها و عظمتشان را بفهمد، می بیند خواسته های خودش و کل جامعه در مقابل اینها هیچ است. اما انسان از بین میلیاردها نعمتی که دارد، به خاطر چند نعمتی که به او داده نشده است، گله می کند. در حالیکه امام حسین (علیه السلام) در دعای روز عرفه شکر بر تک تک اجزای وجودشان می کردند.

باید بدانیم انسان با داشتن علم، همه نداری هایش به دارایی تبدیل می شود. علم مثل عدد قبل از صفر می ماند که به همه صفرها بها می دهد. مثلا اینکه من رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیستم اما علم می تواند این ناداری را به میلیاردها عوائد تبدیل کند. یکی از ویژگیهای امیرالمومنین (علیه السلام) این بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نبود اما نفس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شد. ثابت کرد که می شود کسی، کسی نباشد اما نفس او بشود.

درباره قرائت سوره ها قبل از خواب، فعلا همچنان

شده کرده و در هفته عید غدیر، توزیع نماییم. سرعت انجام مراحل، شتاب مجموعه را نمایش خواهد داد. مرحله آخر هم مهمترین بخش است که کار به دست جامعه برسد.

عید غدیر خم، هم عید ولایت امیرالمومنین علیه السلام است و هم عید ضرورت حکومت دینی و فقه حکومتی است. عید غدیر، عید تاسیس حکومت دینی به ید باکفایت انسان کامل، امام عصر علیه السلام است. باید اثبات کنیم تا حکومت دینی نباشد همه انسانها در استضعاف هستند

بنابراین هرکس هر مقدار می تواند برای این مانور وقت بگذارد. ان شاء الله به واسطه عید غدیر، پیشانی هایمان سفید شود که بر حسب روایتی ایشان قائد و پیشوای پیشانی سفیدان عالم هستند.

سعی کنیم عید غدیر را تبدیل به مانور عملیاتی کرده، موجی ایجاد کنیم، سپس منافع آن را استخراج کنیم، نیروهای خود را بشناسیم و پتانسیلهای خود را محک بزنیم. به حسب اهمیت عید غدیر می توانیم هر سال

عید غدیر خم، هم عید ولایت امیرالمومنین علیه السلام است و هم عید ضرورت حکومت دینی و فقه حکومتی است. عید غدیر، عید تاسیس حکومت دینی به ید باکفایت انسان کامل، امام عصر علیه السلام است. باید اثبات کنیم تا حکومت دینی نباشد همه انسانها در استضعاف هستند.

آن را به عنوان عملیات قرار دهیم. ساماندهی این کار، نیازمند ستادی مردمی است. در هفته جاری برنامه ریزی و تولید کنیم، در هفته بعد آنها را تبدیل به یک اثر چاپ

سوره سبأ پیشنهاد می شود و بعدا دوباره به سوره فاطر خواهیم رسید. سوره سبأ توان معنوی فرد را عمیق کند و سوره فاطر آن توان را رو می آورد.

نکته مهم بعدی درباره عید سعید غدیر، «عیدالله اکبر» است. قصد کنیم برای عید غدیر، ظهور و بروز خاصی داشته باشیم و اگر بپرسند در بین اعیاد برای کدام یک بیشتر مایه گذاشتید، بتوانیم بگوییم عید غدیر. هرکه هرکاری می تواند بکند و برنامه ای برای تولید یک خروجی بریزد، کارهایی مثل قربانی کردن، چاپ کارت، تکثیر هدیه، ساخت پیکسل، نوشتن متن از سوره ها، کار کردن روی ادعیه صحیفه فاطمیه و ... در این زمینه و برای کار بر روی خطبه غدیری، می توان به کتاب تدبر در ساحت جامعه یا انتهای کتابچه ادبی سوره مبارکه طارق مراجعه کرد. سوره مبارکه طارق، سوره مناسبی برای این مناسبت است. در خروجیها بر روی لفظ «امیرالمومنین» تاکید کنیم، که لقب خاص ایشان است.

از دفتر خاطرات یک مجاهد

می خواهیم به قرآن عمل کنیم

متون مهارتی در ادامه برنامه ریزی به سبک یک مجاهد (قسمت دوم)

به انواع خرد شدن فکر کردم. درهم شکستن که دیگر آن چیزی نباشد که بوده. خرد شدنی که به یک موجود دیگری تبدیل کند. به خرد شدن اعصاب، اعتماد به نفس، اخلاق، تفکر، باور، گفتار، اعمال...

آنچنان که دیگر من، من نباشم و با تحقیر به موجودی جدید تبدیل شوم، با قابلیت هایی که می تواند تا جهنم همراهی ام کند.

به نار فکر کردم. آتشی شعله ور. حرارتی که ذوب کند. و به سوختن در آن اندیشیدم. سوختن در آتش شعله ور پر حرارتی که از من هیچ چیزی باقی نمی گذارد.

به ستون هایی اندیشیدم که تمام شدنی نبود و در ذهنم چاهی ترسیم شد که دیواره هایش محصور کرده بود و من در میان آن گرفتار شده بودم. ستون هایی شعله ور و داغ، که از شدت حرارت آنچنان خرد و ذوب می کند که چیزی از من باقی نمی گذارد. مثل همان دل سوزانند هایی که از اعتقاد و اعصاب و گفتار و اعمال دیگران چیزی باقی نمی گذارد.

اما

من چه قدر با این ستون فاصله داشتم؟ چه قدر دور بودم از این آتش گداخته؟

و شروع کردم به نگاه کردن. نگاه کردن خودم. حرکات صورتم، چشمم و ابروانی که ممکن بود بی جا بالا و پایین رود.

و گوش کردم به سخنانی که می گویم. به آوای کلامم. به تک تک کلماتم. به جمله بندی هایم. به تاکیدات، علامت سوال ها و یا تعجبی که با کلامم در دیگری بر

فروشی راه رفتن، مال یعنی من دارم و تو نداری، مال یعنی من می توانم و تو نمی توانی.

و چه قدر این مال ها حسادت بر انگیزند.

و بعد به جمع کردن مال و شمارش آن فکر کردم. اینکه چگونه می شود مال ها را شمرد و حساب و کتاب کرد؛ و چگونه می توان مال اندوخت و ذخیره کرد.

بعد به کارکرد این مال ها فکر کردم. اینکه به چه درد من می خورند. آخر اگر مال به کار نیاید که مال نیست و ذخیره کردنش کاری عبث. به کارکرد مدرک در زندگی و فرق اینکه بگویند دکتر فلانی یا مهندس فلانی، با اینکه فقط به نام صدايت بزنند اندیشیدم. به اینکه می گویند عقل مردم به چشمشان است اگر مدرک بگیري حرفت را بهتر گوش می دهند، پول بیشتر می دهند، احترام بیشتر می گذارند. به تاثیر بالای شهر زندگی کردن و دوستان باکلاس و با فرهنگ داشتن اندیشیدم. به خانه های لوکس و راحتی که می توان هر اتاقش را مختص کاری قرار داد و بعد بگویی دیشب در اتاق کارم بودم و چنین و چنان کردم.

و تمام این کارکردها برای اعتبار آورد، کارم را راه انداخت، معروف شدم و محبوب. هر چند که شاید تنها ظاهر بود و نه به باطن.

و تمام این اندوخته ها مرا از نبودن به بودن کشاند. از نیست به هست. و این خودش یک بقاء بود. هر چند کوتاه. از مهم نبودن به مهم شدن. از عدم شهرت به شهرت. از بی فرهنگی به با فرهنگی. از ... و بعد دوباره فکر کردم و فکر کردم.

تمام هفته مهمان سوره همزه بودم. در نمازهایم خواندمش. قبل خوابیدن و هنگام کار منزل...

و یک هفته تمام شد.

و هفته بعد. و هفته بعد آن.

چهار هفته مهمان سوره همزه بودم. تمام شبانه روز. چند هفته قرآن خواندن را تمرین کردم. قرآنی که در تمام اوقات همراهم باشد.

انس گرفتم با سوره ای که تنها چند آیه دارد.

به انواع همز و لمز فکر کردم. به نیش و کنایه هایی که تا عمق جان را می سوزاند. همان سخن های تلخی که اعتماد به نفس را می رباید، کاسه صبر را لبریز می کند و جانت را چنان آتش می زند که با هیچ چیزی التیام نمی یابد. به چشم و ابرو بالا انداختن آدم هایی فکر کردم، در خرد کردن دیگران چنان ماهر شده اند که دیگر نیازی به لب گشودن و استفاده از گنجینه لغات ندارند. یک حرکت چشم و یک تغییر وضعیت در صورت کافی است تا مقصودشان را برسانند.

به انواع مال اندیشیدم و مال هر آن چیزی است که در مالکیت من باشد و مرا از دیگران بی نیاز کند. هر آن چیزی که بتوانم ذخیره کنم. هر آن چیزی که به من اعتبار و ارزش بخشد، اما نه به دلیل آنکه آن چیز خودش باارزش است.

مال یعنی شأن خانوادگی و اجتماعی که خودمان برای خودمان قائل می شویم. مال یعنی مدرک های دانشگاهی که خودمان برای خودمان مهم جلوه داده ایم. مال یعنی بالای شهر زندگی کردن و با فخر

می‌انگیخت. ممکن بود یک حرکت بی‌جا، یک سخن ناسنجیده، مرا در آن آتش خرد کننده بیندازد. نمی‌خواستم مشمول آیه ﴿كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ﴾ شوم. و سکوت. و لبخند. و مهر. جایگزین تمام حرکت‌ها و سخن‌ها شد. و دوباره فکر کردم. و دوباره، و دوباره. به گفتاری که عزت ببخشد. به حرکات صورت وقتی کرامت القاء کند. به لحن کلامی که دیگری را بزرگ کند، عزیز بدارد و بگوید جانِ دلم بیا دست در دست هم بگذاریم به مهر. به احیا کردن مرده‌هایی اندیشیدم که باورهایشان خشکیده بود، گنجینه لغاتشان تمام شده و اعصاب متشنجشان زبان‌شان را به هجو و هزل‌گویی سوق می‌داد. به اینکه چه چیزی را چگونه به آنها بگویم که فطرت غفلت‌زده بیدار شود و شیرین سخنی دوره کودکی‌شان را به یاد آورند و کاسه صبرشان آنچنان بزرگ شود که آنها را دریادل بنامند. و هیچ چیزی نیافتم. و دوباره اندیشیدم. و این بار به خودم. و شمردم تمام لغاتی که کرامتم را زیر سوال برده بود. تمام هجو و هزل‌گویی‌هایی که خودم نثار وجود مبارک خودم کرده بودم. و مگر نه آنکه آیه ﴿نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ برای من هم مصداق داشت؟ مگر نه آنکه جسم خاکی‌ام مرکب روحی الهی بود؟ پس به یاد آوردم تمام نمی‌دانم و نمی‌توانم‌هایی که هر روز خودم نثار جانِ عزیز خودم کرده بودم. تمام تحقیرهایی که ثمره دیدن دارایی‌ها و مال‌های دیگران بود و به جای آنکه دیگری را تحسین کنم و بزرگ بدارم، مهر سکوت بر لب زدم و خودم را کوچک شمردم. پس چگونه ممکن بود من خرد شده در زیر بار شمارش مال‌های دیگران، بتوانم اعتقاداتم، گفتار و اعمالم را کریمانه بذل و بخشش کنم و مایه حیات‌بخشی شوم. آری، اگرچه به ظاهر همایز لماز نیستم، اما آنچنان ذات اقدس خودم که بهره از وجود الله دارد را له کرده‌ام

پیشخوان

فراخوان مشارکت و نحوه ارتباط‌گیری با استاد جشن عید غدیر

«عید غدیر، عید ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) است. عید به فعلیت رسیدن اتصال انسان به جریان وحی برای جاری شدن حقایق قرآن در زندگی بشریت. عید غدیر، عید ولایت فقیه است و روز تبیین ضرورت تاسیس و تشکیل حکومت دینی به دست انسان کامل. عید غدیر، عید ولایت فقیه نیز است نباید کسی حس کند که عید غدیر، جدای از عید حکومت دینی و ولایت فقیه است، ما تمام تلاشمان این است که بگوییم تا حکومت دینی نباشد همه ما در استضعاف هستیم و همه تلاشمان برای پیشبرد حکومت دینی به امامت ولی فقیه جهت آماده سازی حکومت انسان کامل است.»

در همین راستا بر آن شدیم تا روز غدیر را میعادگاه شیفتگان فرهنگ ولایت قرار دهیم و به جهت ارتقای معارف علمی- عملی گروه‌های مختلف جامعه، نسبت به امیرالمومنین علی علیه السلام و ظهور روایات حضرت امیر (علیه السلام) به تناسب ذائقه و سن رشدی گروه‌های تخصصی جامعه تولیداتی را تا روز عید غدیر به منصف ظهور برسانیم.

لذا ستاد برگزاری جشن عید، اعلام می‌دارد بخش‌های مختلف طرح علمی- عملیاتی غدیر به شرح زیر طراحی شده است:

بخش اول طرح: تولید محتوای تخصصی برای رده‌های سنی متفاوت بخش دوم طرح: طراحی و امور گرافیکی

بخش سوم طرح: چاپ و تولید بخش چهارم طرح: توزیع مشخص بر اساس مخاطب

- علاقمندان به مشارکت تخصصی در هر بخش، نام خود و حیطه فعالیت تخصصی (تولید محتوا- طراحی، گرافیک، صفحه آرایی- چاپ- توزیع) را به انضمام عنوان «ستاد غدیر» به سامانه پیامکی مدرسه قرآن (۰۵۰۰۲۴۲۰۷) ارسال نمایند.
- پیامک درخواست مشارکت در امور مالی ستاد، در صورت به خروجی رسیدن محصولات جهت مشارکت در تولید انبوه متعاقباً اعلام خواهد شد.
- علاقمندان به ارسال متون غدیری به جهت چاپ در نشریه کاشف، می‌توانند با ایمیل سردبیر (fssh2004@yahoo.com) ارتباط بگیرند.

نکته: چنانچه در نظر دارید مبلغ واریزی شما، در امر قربانی هزینه شود، پس از واریز «نام، مبلغ و مصرف جهت قربانی» را به آقای ساعدی (۰۹۱۲۲۰۹۶۵۸۴) اعلام فرمایید.

- شماره کارت ۶۳۹۳۴۶۱۰۱۶۸۳۱۱۵۴ به نام آقای هادی ساعدی، بانک سینا

- مهلت واریز: تا روز عید غدیر